

قلمرو معاد در قرآن

سید حسن بطحائی گلپایگانی

بحث درباره قلمرو معاد، از بحث‌های مهم در زمینه معادشناسی به شمار می‌رود، پرسش این است که آیا معاد اختصاص به انسان و جن و ملائکه دارد یا علاوه بر آن‌ها شامل موجودات دیگر مانند حیوان و گیاه و جماد، آسمان و زمین و پدیده‌های دیگر نیز می‌شود؟ در این نوشتار ابتدا دیدگاه متکلمان و حکما را در این زمینه نقل می‌کنیم و سپس با استناد به آیاتی از قرآن که ظهور در عشر برفی از جمادات، جانداران و حیوانات دارد، از دیدگاه مفسران مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

پاداش یا کیفر آن‌ها عوض است، برانگیختن آن‌ها در قیامت به حکم عقل واجب است ولی اعاده غیر آن‌ها به دلیل نقلی واجب است. فاضل مقداد (۸۲۶هـ.ق) در شرح کلام ایشان می‌نویسد: «کسانی که اعاده آن‌ها لازم است و

دیدگاه متکلمان درباره حشر حیوانات

درباره حشر حیوانات متکلمان دیدگاه‌های متفاوتی دارند: علامه حلی (۷۲۶هـ.ق) می‌نویسد: تمام کسانی که

در قیامت برانگیخته می‌شوند دو دسته‌اند: گروه اول کسانی‌اند که حقی از ثواب یا عوض، طلب دارند. برای این که به حق خود برسند یا کسانی که کیفر آن‌ها عقاب، یا عوضی است برای گرفتن حق از آن‌ها. این دو دسته به دلیل عقلی و نقلی برانگیخته می‌شوند.

گروه دوم کسانی‌اند که حقی طلب‌کار، یا بدهکار نیستند، خواه این افراد از انسان‌ها یا غیر انسان‌ها از حیوانات اهلی یا وحشی باشند. مبعوث شدن آن‌ها در قیامت به دلیل آیات و روایات متواتر است.^(۱)

در «کشف المراد» می‌نویسد: «از مواردی که عوض بر خدا لازم است، قدرت دادن خدا به حیوانات و پرندگان و حشرات به آزار و ایلام افراد است. «عدلیه» در این مورد دیدگاه‌های متفاوتی دارند: برخی عوض را مطلقاً بر خدا و برخی نیز بر فاعل الم لازم می‌دانند، این دیدگاه منسوب به ابوعلی جبایی (۳۰۳ هـ.ق) است. برخی نیز مطلقاً، بر خدا و غیر خدا، هیچ‌کدام لازم نمی‌دانند. عده‌ای نیز مانند قاضی

عبدالجبار (۴۱۵ هـ.ق) بر این باورند که اگر حیوان مجبور به آزار بوده است عوض بر خدا لازم است و اگر مجبور به ایلام نبوده عوض بر خود حیوان است.^(۲)

«فخر رازی» (۶۰۶ هـ.ق) می‌نویسد: معتزله بر این باورند که خداوند تمام حیوانات را در قیامت محشور می‌کند تا آزاری را که در دنیا به خاطر مرگ و قتل به آن‌ها رسیده جبران کند، سپس اگر بخواهد بعضی از آن‌ها را وارد بهشت می‌کند و اگر بخواهد آن‌ها را نابود می‌کند. ولی اصحاب ما (اشاعره) بر این عقیده‌اند که چیزی به حکم استحقاق، بر خدا واجب نیست^(۳) و خداوند تمام حیوانات وحشی را محشور کرده و از حیوان شاخ‌دار برای حیوان بی‌شاخ قصاص و انتقام می‌گیرد، سپس آن‌ها را امر به

۱. الباب الحادی عشر مع شرحیه، ص ۵۳،

اللوامع الالهیه، ص ۳۷۷.

۲. کشف المراد، ص ۳۳۳.

۳. البته این اندیشه بر این اساس است که هر کسی که در ملک خود تصرف کند تصرفات او عدل و ثواب است و چون خداوند مالک همه مخلوقات است هر طور بخواهد می‌تواند در ملک خود تصرف کند. (قضاء و قدر، ص ۲۷۲).

دیدگاه حکما پیرامون حشر حیوانات

درباره حشر حیوانات در بین حکما اختلاف نظر کمتری دیده می‌شود، برخی از حکما حشر حیوانات را پذیرفته‌اند. ابن عربی (۶۳۸هـ.ق) می‌نویسد: حشر و حوش و حیوانات انعام خداوند بر آنها است. «صدر المتألهین» (۱۰۵۰هـ.ق) بر این باور است که حشر هر چیزی بازگشت به همان جایی است که از آن جا آمده است، حشر اجساد به سوی اجساد و حشر نفوس به سوی نفوس^(۶) است. وی بر اساس حرکت جوهری و غایت‌مندی ممکنات، حشر همه اجزای عالم از جمله نفوس حیوانات را حرکت آنها به سوی

مردن می‌کند و آنها می‌میرند.^(۱) «ابوحامد غزالی» (۵۰۵هـ.ق) بر این باور است که حیوانات حشر و قیامت ندارند زیرا آنها تکلیف نداشته و سزاوار کرامت و بزرگواری نیستند و نص و دلیل قابل اعتمادی از کتاب و سنت که دلالت بر حشر حیوانات کند وارد نشده است. وی بر این باور است که روایاتی که درباره حشر و قصاص حیوانات نقل شده شاید کنایه از نهایت عدل خداوند در رستاخیز باشد و هرگز به معنای حشر و معاد حیوانات در رستاخیز نیست. آلوسی (۱۲۷۰هـ.ق) بعد از نقل این دیدگاه، آن را پذیرفته است.^(۲)

هم چنین این دیدگاه را به ابوالحسن اشعری (۳۲۴هـ.ق) نسبت داده‌اند.^(۳)

خلاصه آن که دیدگاه متکلمان خاصه و عامه^(۴) درباره اصل حشر حیوانات و کیفیت پاداش و کیفر آنها، دوام و موقتی بودن آن^(۵)، و این که آیا عوض، از روی لطف و تفضل خداوند، یا حق آنها است اختلاف نظر فراوان دیده می‌شود.

۱. التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۶۴.
۲. روح المعانی، ج ۳۰، ص ۵۲.
۳. دائرة المعارف الشیعیة العامة، ج ۸، ص ۳۵۱.
۴. شرح المقاصد، ج ۴، ص ۳۲۸، شرح الاصول الخمسه، ص ۳۳۹، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، لطف، ص ۱۸۹، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۷۷.
۵. حق الیقین فی معرفة اصول الدین، ج ۲، ص ۱۰۱.
۶. الشواهد الربویة، ص ۴۶۱.

اساس غایت‌مندی نظام آفرینش برای همه پدیده‌ها از جمله حیوانات، به حشر حیوانات باور دارد.^(۴) وی اگر چه به عمومیت رستاخیز برای همه پدیده‌ها تصریح کرده و رستاخیز آن‌ها را لازمه هدف‌مندی خدا در آفرینش شمرده است ولی در عین حال درباره حکمت آفرینش مخلوقات می‌نویسد:

«ممکن است گفته شود: از نفی معاد از پدیده‌های غیر از انسان، لازم نمی‌آید که آفرینش آن‌ها باطل و بیهوده و بدون غرض باشد برای این که آن‌ها برای انسان آفریده شده‌اند، پس انسان غایت آفرینش مخلوقات و قیامت غایت آفرینش انسان است.»^(۵)

قلمرو معاد در قرآن

از آن جا که در حشر انسان در

۱. هود، آیه ۵۶.
۲. الاسفار الاربعه، ج ۹، ص ۲۴۳.
۳. الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۱۱۸ و ج ۶، ص ۱۳۹ و نیز ر.ک: علم الیقین، ج ۲، ص ۹۰۰.
۴. المیزان، ج ۷، ص ۷۲، شیعه در اسلام، ص ۱۷۰.
۵. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۴۸.

کمال و رسیدن به آخرت بیان کرده است، او در ذیل آیه: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا»^(۱)، «هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که خداوند بر او سلطه دارد»، می‌نویسد: تمام جواهر طبیعی و موجوداتی که در عالم ماده هستند به خاطر حرکت ذاتی جوهری که آن‌ها است، همه جنبنده‌اند بنابراین خداوند مقدرات نفوس و طبایع آن‌ها را به دست می‌گیرد و به سمت خود جذب می‌کند و هر کسی که این گفتار را دریابد، یقین می‌کند که تمام موجودات به سوی خدا بازگشت می‌کنند و آن مقتضای حکمت، وفای به وعده و وعید و لزوم مکافات و مجازات است.^(۲)

از نظر وی تمام موجودات دارای ادراک و شعور مخصوص به خود هستند و ذکر و عبادت و تسبیح آن‌ها نیز ناشی از مقدار بهره وجودی آن‌ها است از این رو، علاوه بر حیوانات، گیاهان و جمادات نیز دارای حشرند و حداقل مرتبه حشر آن‌ها ظهور مرتبه کمالی آن‌ها در قیامت است.^(۳)

«عَلَّامَهُ طَبَاطِبَائِي» (۱۳۶۰ ش) نیز بر

قیامت اختلافی وجود ندارد و دیدگاه قرآن در این باره روشن و مسلم است، به ذکر شواهد قرآنی برای آن نیازی نیست. آنچه لازم است یادآوری شواهد قرآنی بر حشر موجودات دیگر است.

الف) حشر حیوانات

از جمله آیاتی که دلالت بر حشر خصوص حیوان می‌کند آیه زیر است:

«وما من دابة فی الارض ولا طائر یطیر بجناحیه الا اُمم امثالکم ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثم الی ربهم یحشرون»^(۱)

«هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال پرواز می‌کند نیست مگر این که آن‌ها امت‌هایی مانند شما انسان‌ها هستند و مادر کتاب هیچ چیز را فروگذار نکردیم، سپس تمام حیوانات [همانند شما انسان‌ها] در قیامت به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند».

«امت» به هر گروهی که در امر واحدی مثل دین، زبان، آداب و رسوم زمان و مکان مشترکند گفته می‌شود اعم از این که این امر جامع، تسخیری یا اختیاری

باشد.

حشر، در لغت جمع و گردآوری توأم با درهم شکستن و راندن است، و محشر، محل جمع کردن است.^(۲) روز حشر روز بعث و معاد است.^(۳)

حشر در اصطلاح، برانگیختن مردگان از قبور و گردآوری آنان در روز قیامت برای حساب‌رسی است.^(۴)

مفاد آیه شریفه آن است که حیوانات همانند انسان‌ها دارای امت می‌باشند اما این که همانندی در چیست، مفسران دیدگاه‌های متفاوتی ذکر کرده‌اند.^(۵) از جمله آن‌ها نیازمندی به خدا، تسبیح و ذکر پروردگار، زندگی اجتماعی و توالد و

۱. انعام، آیه ۳۸.
۲. المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۶۶، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۷.
۳. لسان العرب، ج ۳، ص ۱۹۰، معجم المقائیس اللغة، ج ۲، ص ۶۶.
۴. گوهر مراد، ص ۶۵۵، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۳، ص ۲۱۲، دایرة المعارف الشیعیة العامة، ج ۸، ص ۳۴۹، البحر المحیط، ج ۱۰، ص ۴۱۵، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۷۷، الکشاف، ج ۴، ص ۷۰۱، روح المعانی، ج ۳۰، ص ۵۱.
۵. تفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۵۲۴ و ۲۵۲، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۹.

همان گونه که در داستان «سلیمان و مورچگان» و «ملکه سبا و هدهد»^(۲) آمده است، البته روشن است که لازمه حشر حیوانات و یا حسابرسی و پاداش و کیفر آنان این نیست که حیوانات در شعور و آگاهی با انسان‌ها مساوی باشند و تمام مدارج کمال روحی و معنوی را که انسان‌ها می‌توانند بیمایند آن‌ها هم طی کنند، زیرا خود انسان‌ها هم در مراتب کمال روحی و معنوی و حساب و پاداش و کیفر با یکدیگر مساوی نیستند. بلکه همان گونه که علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌نویسد: «اصل الملائک وهو الأمر الذی یدور علیه الرضا والسخط والاثابة والمؤاخذه موجودة فیهم»^(۳) ملاک اصلی و آن چیزی که محور و اساس رضا خدا و ناخشنودی‌اش و ثواب و عقابش می‌باشد

تناسل، تقدیر رزق و عمر و اجل و سعادت و شقاوت آن‌ها، حشر در قیامت و پاداش و کیفر. ولی می‌توان گفت از بارزترین موارد تشابه آن‌ها به انسان‌ها همان حشر در قیامت است که در پایان آن هم آمده است و بسیاری از مفسران نیز بدان تصریح کرده‌اند، یعنی «حیوانات همانند انسان‌ها دارای امت هستند و همانند انسان‌ها در رستخیز محشور می‌شوند. از این رو معنای ﴿إِلٰی رَبِّهِمْ یحشرون﴾، این خواهد بود که حیوانات بعد از مرگشان به سوی خدا محشور می‌شوند. همان گونه که بندگان خدا در قیامت به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند.»^(۱)

مؤید این معنی، ضمیر «هم» در «ربهم» است که برای صاحبان عقل به کار می‌رود و مرجع آن در آیه «أمم» است که همان جانداران و حیوانات است، و از بیان همانندی حیوانات با انسان‌ها استفاده می‌شود که حیوانات مانند انسان‌ها تا حدی از شعور و آگاهی - که مستلزم زندگی اجتماعی و تسبیح و ذکر و حشر به سوی خدا است - برخوردارند.

۱. التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۵۲۸، البحر المحیط، ج ۴، ص ۵۰۲، تفسیر ابی السعود، ج ۳، ص ۱۳۱، الکشاف، ج ۲، ص ۲۱، التبیان، ج ۴، ص ۱۲۹، تفسیر المراغی، ج ۷، ص ۱۱۹، کشف الاسرار، ج ۳، ص ۳۴۴، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۴، ص ۲۹، المیزان، ج ۷، ص ۷۲.
 ۲. نمل، آیه ۱۸ و ۲۴.
 ۳. المیزان، ج ۷، ص ۸۲.

﴿إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾ سازگار نیست زیرا اولاً: طبق دیدگاه طبری معنای آیه این گونه می‌شود: «به سوی پروردگار خود می‌میرند» که اشتباه آن واضح است و همان گونه که گذشت «الی» در این آیه همانند «الی» در ﴿أَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي﴾^(۲) و ﴿إِلَىٰ اللَّهِ الْمَصِير﴾^(۳) ظهور در بازگشت در قیامت به سوی خدا دارد. ثانیاً: در روایات دیگر آمده است که حشر حیوانات بعث آن‌ها در قیامت برای قصاص بعضی از بعض دیگر است. به گونه‌ای که خداوند در روز قیامت در پرتو عدل خود انتقام حیوان بی‌شاخ را از حیوان شاخ‌زن می‌گیرد.^(۴)

ثالثاً: این که حشر به معنای موت و بعث باشد دلیلی بر التزام به این ادعا نیست از این رو قول طبری خلاف ظاهر آیه است و قرینه‌ای مؤید کلام ایشان نیست.

آیه دیگری که می‌توان از آن حشر

در حیوانات یافت می‌شود. از این رو همان گونه که بیان شد، حشر به معنای «جمع کردن است - قرینه «الی» در ﴿إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾ که بیان‌گر غایت و مقصد حرکت است، مقصود از حشر در این آیه، حشر و معاد، حیوانات است.

به این ترتیب حیوانات زمینی همچون بشر، بین خویش دارای انواعی هستند و مانند انسان به سوی خدا بازگشت می‌کنند و در نزد وی حضور می‌یابند.

دیدگاه طبری و نقد آن

طبری (۳۱۰هـ) با استناد به روایتی از ابن عباس بر این باور است که حشر حیوانات مرگ آن‌ها است دیگر این که حشر به معنای بعث در روز قیامت نیز آمده است و چون قرینه‌ای در آیه بر تعیین هر یک از آن‌ها نیست ممکن است هر دو معنا قصد شده باشد از این رو قول صواب آن است که معنای حشر عام باشد و شامل بعث و مرگ بشود.^(۱)

در پاسخ می‌توان گفت، این که حشر در آیه به معنای موت باشد با ظاهر آیه

۱. جامع البیان، ج ۵، ص ۱۸۸ به اختصار.

۲. علق (۹۶): ۸.

۳. آل عمران (۳): ۲۸.

۴. الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۶۸.

حیوانات را استنباط کرد آیه زیر است:

«وَإِذَا الْوَحْشُ حَشَرَتْ»^(۱)، آن گاه که حیوان‌های وحشی در قیامت گرد هم جمع می‌شوند.

«وَحْش» جمع وحش به معنای حیواناتی است که با انسان‌ها انس و الفت نمی‌گیرند مانند درندگان.^(۲)

«آلوسی» می‌نویسد: وحوش در این آیه تمام چهارپایان را دربرمی‌گیرد.^(۳)

از آن جا که آیه فوق در سیاق آیاتی است که حوادث روز قیامت را توصیف می‌کند همانند سؤال از دختران زنده به گور شده و گشودن نامه‌های اعمال و حوادث بعد از آن، این آیه ظهور در حشر حیوانات وحشی در قیامت دارد اگر چه دیدگاه مفسران دربارهٔ حوادث بعد از حشر آن‌ها متفاوت است. برخی بر این باورند که اگر حیوانات ستمی به یکدیگر کرده باشند در قیامت مجازات می‌شوند.^(۴) و به باور برخی دیگر بعد از حشر، آن‌ها را دوباره می‌میرانند و به خاک برمی‌گردانند^(۵) ولی در اصل حشر

حیوانات، جمهور مفسران، هم عقیده‌اند. از این رو آیه شریفه همانند آیه ۳۸ سوره انعام، ظهور در اصل حشر حیوانات دارد اگر چه دربارهٔ پاداش و کیفر و حوادث بعد از آن به طور قطع نمی‌توان سخن گفت. زیرا خدای تعالی در قرآن از آن‌ها پرده‌برداری نکرده است.^(۶)

۱. تکویر (۸۱): ۵.
۲. التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۶۴.
۳. روح المعانی، ج ۳۰، ص ۵۱.
۴. روح المعانی، ج ۳۰، ص ۵۱؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۶۴؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۰۷؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۱۳.
۵. التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۶۴؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۰۷؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۱۳؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۷۷؛ اضواء علی متشابهات القرآن، ج ۱، ص ۲۲۰ و ج ۲، ص ۳۱۰.
۶. برخی نیز بر این عقیده‌اند که آیه ناظر به شدت حوادث هولناک در آستانه قیامت است که حیوان‌های وحشی که عادتاً از یکدیگر فراری هستند از شدت ترس در کنار یکدیگر جمع می‌شوند تا از شدت ترس خود بکاهند از این رو آیه دلالتی بر حشر حیوانات ندارد. (الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، ص ۸۱) آلوسی هم بر این باور است که حیوانات تکلیف ندارند و غیر از جن و انس موجودات دیگر حشری ندارند. (روح المعانی، ج ۳۰، ص ۵۲) قول دیگر هم می‌گوید وحش همان انسان‌هایی هستند که

اشکال

می‌بینیم که در عمل خود ستم می‌کنند و افراد دیگری را مشاهده می‌کنیم که به دیگران احسان می‌نمایند. از این رو آن‌ها در قیامت محشور می‌شوند اگر چه خداوند چگونگی پاداش و کیفر را بیان نکرده است. (۳)

ممکن است گفته شود چه فایده‌ای در حشر حیوانات هست در حالی که آن‌ها در دنیا مکلف نیستند تا این که برای پاداش و کیفر در قیامت محشور شوند؟ (۱)

پاسخ

ب) حشر جمادات

از جمله آیاتی که دلالت بر حشر موجودات بدون روح دارد آیه زیر است: ﴿وَمِنْ أَضَلِّ مَمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دَعَائِهِمْ غَافِلُونَ﴾ و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

اولاً: تکلیف نداشتن حیوانات در دنیا ضروری در حشر آن‌ها و محاسبه و قصاص ندارد. به عبارت دیگر ملازمه‌ای بین تکلیف و رستاخیز نیست، زیرا قصاص و پاداش و کیفر، توقف بر تکلیف ندارد، همان‌گونه که شخص اگر در حالت

با انجام پی در پی گناه صورت باطنی آن‌ها به شکل حیوان‌های وحشی درآمده و در قیامت با این ملکات و صورت حیوانی مبعوث می‌شوند. (اضواء، علی متشابهات القرآن، ج ۲، ص ۳۰۱) هیچ کدام از این اقوال پذیرفتنی نیست. اما اول: سیاق آیات همان‌گونه که ذکر شد و به قرینه آیه ۳۸ انعام، آیه درباره حشر حیوانات است و روایات نیز مؤید آن است.

خواب به دیگری آسیب مالی یا جانی بزند محکوم به غرامت می‌شود، زیرا حق دیگری را پایمال و ضایع کرده است، اگر چه در حالت خواب و بی‌هوشی تکلیف ندارد. (۲) ثانیاً: همان‌گونه که علامه طباطبایی رحمته الله علیه (۱۳۶۰ ش) می‌نویسد:

خداوند انعام و انتقام را در آیات زیادی در وصف احسان و ظلم ذکر کرده است و این دو وصف اجمالاً در میان حیوانات نیز وجود دارد یعنی افرادی از حیوانات را

در وصف احسان و ظلم ذکر کرده است و این دو وصف اجمالاً در میان حیوانات نیز وجود دارد یعنی افرادی از حیوانات را

۱. روح المعانی، ج ۳۰، ص ۵۲.
۲. اضواء علی متشابهات القرآن، ج ۲، ص ۳۰۱.
۳. المیزان، ج ۷، ص ۷۶.

وكانوا بعبادتهم كافرين^(۱)

بهره‌ای ندارند، و هیچ نمی‌دانند که چه زمانی مبعوث می‌شوند.* و خطاب به بت پرستان می‌فرماید: ﴿إِنكُم وما تعبدون

«چه کسی گمراه‌تر است از آن کسی که معبودی غیر خدا را می‌خواند، در حالی که آن‌ها تا قیامت هم، به او پاسخ نمی‌گویند و از خواندن آن‌ها بی‌خبر هستند و صدای آن‌ها را نمی‌شنوند و هنگامی که مردم محشور می‌شوند، معبودهای آنان دشمنانشان خواهند بود، به طوری که، عبادت آن‌ها را، انکار می‌کنند».

با توجه به این که ضمیر «هم» در ﴿كانوا لهم﴾ و ﴿كانوا بعبادتهم﴾ به معبودهای باطل برمی‌گردد و به لحاظ تعبیر ﴿من لا يستجيب له﴾ آن‌ها تا قیامت هم به آنها پاسخ نمی‌گویند» آیه، دلالت روشنی دارد که معبودهای آنان گیاهان و جمادات بوده‌اند، از طرفی همین موجودات، در قیامت محشور می‌شوند به دلیل: ﴿إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء﴾ که معبودهای دروغین در قیامت از بت پرستان اظهار بی‌زاری می‌کنند.^(۲) و در وصف خدایان کفار فرموده است: ﴿أمواتٌ غير أحياء وما يشعرون أيمان ببعثون﴾^(۳) بت‌ها مرده‌اند و از حیات،

۱. احقاف (۴۶): ۵۶.

۲. طبرسی رحمته الله در ذیل آیه می‌نویسد: انّ هذه الأوثان التي عبدوها ينطقها الله حتى يجحدوا أن يكونوا دعوا إلى عبادتها ويكفروا بعبادة الكفار ويجحدوا ذلك. (مجمع البيان، ج ۹، ص ۱۳۹).

۳. نحل (۱۶): ۲۱.

* دربارۀ مرجع ضمیر در «بعثون» دو قول هست؛ برخی همانند علامه طباطبایی و زمخشری بر این باورند که ضمیر به بت پرستان برمی‌گردد، یعنی بت‌ها نمی‌دانند که بت پرستان چه زمانی مبعوث می‌شوند و قیامت چه وقت اتفاق می‌افتد (الکشاف، ج ۳، ص ۶۰۰؛ المیزان، ج ۱۲، ص ۲۲۲) ولی از آن جا که از بت‌ها نفی علم شده است و نفی علم از بت‌ها حتی نسبت به حال خود، دارای تأکید بیشتر در عدم لیاقت آنها برای بندگی است، ارجاع ضمیر به بت‌ها مناسب‌تر و با سیاق هماهنگ است و نیاز به تقدیر هم ندارد یعنی بت‌ها از حال خود نمی‌توانند خبر دهند که چه زمانی مبعوث می‌شوند تا چه رسد که بخواهند پاداش و کیفر و زمان بعث را برای بت پرستان بیان کنند و این قول موافق بعضی مفسران نیز می‌باشد. (مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۱۴۷؛ روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۲۰؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۸۶ و البحر المحیط، ج ۶، ص ۵۱۷).

و شامل تمام جانداران زمینی و هوایی می‌شود و مقصود از واژه «جمع»، گرد آوردن و حشر موجودات در روز قیامت است و ضمیر «هُم» در «جمعهم» به «دابه» برمی‌گردد. از این رو آیه - همان گونه که جمهور مفسران بدان تصریح کرده‌اند -^(۵) ظهور در حشر تمام جانداران اعم از انسان و حیوان در روز قیامت دارد.

نتیجه نهایی

با بررسی آیات در این زمینه این نتایج به دست می‌آید:

۱. انبیاء (۲۱): ۹۸.
۲. شوری (۴۲): ۲۹.
۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۰۶.
۴. برخی مفسران مثل ابن کثیر، بیضاوی و قرطبی (به نقل از مجاهد) نوشته‌اند دابه شامل ملائکه و جن و انسان و تمام حیوانات زمینی و هوایی می‌شود. تفسیر القرآن العظيم، ج ۴، ص ۱۲۵؛ تفسیر البیضاوی، ج ۲؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۹ و البحر المحیط، ج ۹، ص ۳۳۸.
۵. التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۵۲۸؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۹؛ تفسیر الطبری، ج ۷، ص ۱۷۸؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۶۸، همه در ذیل آیه: ﴿ثم إلى ربهم يحشرون﴾.

من دون الله حصب جهنم أنتم لها واردون^(۱)؛ «شما بت پرستان و آن بت‌هایی که می‌پرستید هیزم جهنم خواهید شد و همگی در آن وارد می‌شوید». همه این امور نشان دهنده حشر برخی از جمادات در قیامت است.

ج) رستاخیز جانداران

از جمله آیاتی که دلالت بر حشر انسان‌ها و حیوان‌های زمینی و هوایی می‌کند آیه زیر است:

«ومن آیاته خلق السموات والأرض وما بثّ فيهما من دابة وهو على جمعهم إذا يشاء قدير^(۲)»: «از نشانه‌های خدا، آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از انواع جنبندگان از انسان و حیوان بین آنها پراکنده ساخته، می‌باشد و او بر جمع آنها در روز قیامت، توانا است».

«دابه»، از دبّ، یدبّ به معنای آهسته راه رفتن است و به هر جنبنده‌ای از انسان و حیوان و حشرات روی زمین که حرکت می‌کند گفته می‌شود^(۳) و اطلاق آن بر فرشتگان معهود نیست.^(۴)

از آنجایی که واژه «دابه»، مطلق است

۱. انسان و ملائکه و جن و شیاطن در قیامت هر یک حشر مخصوصی دارند و آیات و روایات و دلایل عقلی گواه این مطلب است.
۲. درباره حشر حیوانات در میان متکلمان و حکمای اسلامی اختلاف نظر فراوان دیده می‌شود.
۳. درباره حشر جمادات برخی از آیات ظهور در حشر معبودهای دروغین و بت‌ها در قیامت دارد که می‌توان حشر برخی از جمادات را از آنها استفاده کرد.
- برخی آیات نیز ظهور در حشر حیوانات دارد که با توجه به دیدگاه مشهور مفسران، حشر حیوانات از این آیات استفاده می‌شود اگر چه درباره کیفیت حشر آنها به طور قطع نمی‌توان داوری کرد.
۴. با توجه به آیات مورد بحث می‌توان گفت، قلمرو معاد در قرآن علاوه بر انسان و جن و ملائکه شامل حیوانات و جانداران و برخی جمادات نیز می‌شود اگر چه درباره حشر آنها به دلیل عقلی و نقلی معتبری نمی‌توان استناد کرد.
۵. درباره آسمان و زمین واژه حشر استعمال نشده است و برخی از آیات^(۱) دلالت دارد که زمین و آسمان قیامت غیر از زمین و آسمان دنیا است اگر چه برخی مفسران^(۲) رستاخیز آنها را مقتضای حکمت الهی ذکر کرده‌اند ولی همان‌گونه که از بسیاری از آیات قرآن استفاده می‌شود همه پدیده‌های عالم از جمله آسمان و زمین، هر کدام به نحوی برای بهره‌مندی و استفاده انسان از آنها برای تأمین سعادت دنیا و آخرت آفریده شده‌اند به گونه‌ای که اگر برای آنها معاد و رستاخیزی هم نباشد، مستلزم بیهوده بودن آفرینش آنها نخواهد بود.

۱. ابراهیم (۱۴): ۴۸ و زمر (۳۹): ۶۷.

۲. المیزان، ج ۱۷، ص ۱۹۶ و ج ۱۶، ص ۱۵۸.